



علی عاشوری، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران
alishouri.ut@gmail.com

منظر معنوی شهر

توسعه مکان‌های مذهبی در شهرهای ایران



چکیده: در شکل‌گیری سازمان فضایی شهرهای سنتی ایران همواره ارتباطی منطقی بین نقش فضاهای شهری و منظر آنها در مقیاس خرد و کلان برقرار بوده است. تعاریف مدرنیته و شکل‌گیری مناسبات نوین اقتصادی و اجتماعی منجر به ظهور کالبدی شد که ارتباط بین گذشته و حال فضاهای شهری را از هم گسست. این ناهمگونی به ویژه در بطن بافت‌های تاریخی با مرکزیت مذهبی منجر به گسست‌های اجتماعی و فاصله‌گرفتن آنها از جریان توسعه شهری شد. از سوی دیگر، روش‌های مداخله در بافت بلافصل این مراکز، در هر دوره زمانی، بسته به میزان درک ارزش و جایگاه کارکردی آنها از جانب مسئولین و کارشناسان، وزن متفاوتی به خود گرفت و همواره بین دو رویکرد حفاظت و توسعه در نوسان بوده است.

سیر تحولات تاریخ شهر «ری» نشان می‌دهد استخوان‌بندی اصلی شهر که به حرم حضرت عبدالعظیم (ع) منتهی می‌شود، دارای مهم‌ترین ارزش‌های تاریخی و فرهنگی - مذهبی است که در کنار یکدیگر منظر ویژه‌ای را برای این منطقه به وجود آورده است. خیابان حرم به عنوان آستانه ورود به حرم، یک فضای جمعی در بافت سنتی شهر عبدالعظیم است که از دوره قاجار تاکنون کیفیت دسترسی به این مرکزیت را تعریف کرده است. اما در اجرای طرح «بهسازی» اخیر خیابان شمالی حرم تنها به آرایه‌بندی‌های فضا همچون کف‌سازی و جداره‌سازی پرداخته شده است و ا تداوم هویتی مکان از بین رفته است. در حالی که مفاهیمی مانند رعایت اصل سلسله مراتب، هنجارهای زیارت، قابلیت‌های محیط، پیشینه تاریخی و فرهنگی - اجتماعی و به ویژه تحلیل مکان‌های خرد رفتاری درون فضا به عنوان مبانی اصلی مداخله در منظر زیارتی باید مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: گردشگری معنوی، منظر زیارت، سلسله مراتب، طرح‌های شهری تهران، حرم حضرت عبدالعظیم.

تصویر ۳: رویکرد کمی و حداقلی در کیفیت بخشی به محورهای پیرامونی حرم، شهر ری. عکس: علی عاشوری، ۱۳۸۶.

Pic1: Visual and Traffic Chaos in the Immediate Area of Physical Development of the Shrine, Shahr-e Rey, Iran. Photo: Ali Ashouri, 2007.

Pic3: Quantitative and Minimalist Approach in the Quality of the Axis Surrounding the Shrine, Shahr-e Rey, Iran. Photo: Ali Ashouri, 2007.

سرمشق‌های فراموش شده در تدوین طرح‌ها

مهم‌ترین مسئله در برنامه‌ریزی برای حرم، چگونگی هم‌جواری این مرکز مذهبی با بافت پیرامون و کیفیت این بافت است. هر یک از طرح‌های مذکور، با هدف هدایت صحیح توسعه شهری تهیه شده است، اما ماهیت انتزاعی طرح‌ها، بخشی نگرانی نسبت به موضوع، پروژه‌محوری، اقتصادگرایی و نبود بعد مشارکت مردم در طول فرایند تهیه و اجرای طرح و فقدان اهرم‌های اجرایی، باعث عدم تحقق بسیاری از اهداف طرح‌ها شده است. ساختار منسجمی که به محصول طراحی منتهی شود در سلسله مراتب طرح‌ها به چشم نمی‌خورد و جای ملاحظاتی زمینه‌ساختی و توجه به ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی خالی است. مناقشه دو رویکرد حفاظت و توسعه در سطوح کارشناسی و عدم وجود سیاست‌های مدون به واسطه تعدد مراکز تصمیم‌گیرنده منجر به تخریب بیشتر این محدوده‌ها شده است، چون توسعه از جانب دستگاه‌های متولی به مراتب، کمی و بخشی بوده است. نوسازی نه اجرای یک پروژه، بلکه یک فرایند و منوط به به کارگیری هوشمندانه تمام ارکان دخیل در این امر است. ایجاد بستر مناسب جهت حضور و مشارکت همه بخش‌ها و تشویق به ایفای نقش موثر آنها در چارچوب مدیریتی یکپارچه از اصول مهم توسعه حرم و نوسازی بافت پیرامونی آن است. چرا که اساساً یک مشاور یا ارگان کوچک نه ظرفیت و نه قابلیت آن را دارد که بتواند مسئولیت اجرای این امر مهم را برعهده گیرد.

بررسی اقدامات صورت گرفته

آنچه ظاهر فعالیت‌های عمرانی در محدوده پیرامونی حرم در دهه اخیر گواهی می‌دهد، در نگاه اول اتخاذ سیاستی است که در چارچوب آن به تدوین ضابطه تعریف با شعاع مشخص بسنده شده و اجرای توسعه معماری حرم به عامل زمان و فراهم بودن امکانات محول شده است (تصویر ۱). در این جریان و در مقیاس محلی پیوستگی مجموعه با بافت پیرامونی صورت نگرفته است (تصویر ۲). مناسبات بین عملکرد طرح و مقیاس‌ها منوط به برآورد جمعیت یعنی بر مبنای توسعه کمی پایه‌گذاری شده و خدمات‌رسانی به زائرین و سرانه جمعیت مرتبط، تنها هدفی است که در حال حاضر دنبال می‌شود. در دومین نگاه، سیاست مداخله، تحریک توسعه بوده است و طراح ضمن بهسازی مسیرهای ورود، بخش خصوصی را نیز به فعالیت در دیگر مناطق محدوده تشویق کرده و سالی حاصل آن پیاپی شدن محور شمالی حرم در حد اجرای کفسازی، تأسیسات مشترک و مبلمان کلی بوده است (تصویر ۳).

پاسخ‌گویی به مسایل زیبایی‌شناسی صرف، جای اهداف پایداری، خوانایی و هویتی را گرفته و طراحی حداقلی تنها به جنبه‌های کمی و حل مسئله پرداخته و کمتر ابعاد کیفی و معنوی آن را مورد توجه قرار داده است.

جایگاه موضوع در حیات شهری

توجه به محیط معنوی در شهر یک ضرورت است. اماکن مقدس در دنیای امروز، تنها پاسخ‌گوی نیازهای زائران خود نیستند بلکه با انبوهی از مطالبات و کارکردهای جدید مواجه شده‌اند که نمی‌توان با شیوه‌های سنتی به آنها پاسخ گفت. گریز از زندگی روزانه به عنوان یکی از انگیزه‌های زیارت، موضوع گردشگری معنوی را مطرح کرده است. تدارک برای زیارت، فعل سفر و رسیدن به مکانی معنوی، گردشگر را از هیاهوی شهری به خلوتی جمعی منتقل می‌کند (بری، ۱۳۸۴). این منظرها در تفسیر مردم مقدس هستند و انگیزه بازدید از آنها به خاطر پیوندی که با گذشته فردی یا جمعی دارند به وجود می‌آید (اسپیرن، ۱۳۸۴). این مکان‌ها به عنوان ذخیره خاطرات جمعی، نماد هویت و ارزش‌هایی هستند که هر ملت یا گروه‌های

کوچک‌تر مردم برای خود قایلند و اهمیت ویژه‌ای دارند (لنگ، ۱۳۸۶). در سال ۱۹۴۴ «گیدنون» در مقاله‌ای تحت عنوان «نیاز به یادواره‌سازی نوین» اظهار داشت: «پرداختن به یادواره‌ها از نیاز جاودانه مردم به آفرینش نمادهایی در جهت فعالیت‌ها، تقدیر یا سرنوشت، باورهای مذهبی و در جهت ایمان اجتماعی‌شان سرچشمه می‌گیرد» (گیدنون، ۱۹۵۸؛ به نقل از شولتز، ۱۳۸۴: ۱۳۸). تمام ترنر پس از نقد عصر نوگرایی و ایده «یک راه، یک حقیقت، یک شهر» و نیز نقد عصر فرانوگرایی و ایده «هر چیز قابل قبول است» واژه «عصر ترکیب» را بر می‌گزیند و در آن هویت مناطق را حاصل از منطقه‌بندی فرهنگی می‌بیند نه کارکردی و عنوان می‌کند که منطقه‌های جدید ممکن است بصری، تاریخی، زیست‌محیطی یا فرهنگی باشند یا حتی بعد فضایی ایمان و اعتقاد را متجلی سازند (ترنر، ۱۳۷۶).

این مکان‌ها، نقاط شاخصی در شهر است که به دلیل پیوند تاریخی با شهر و بسته به انگیزه‌های سفر، مراجعان بسیاری اعم از زائر یا گردشگر دارند، لذا موجد نوعی تحرک و پویایی شهری می‌شود. این محدوده‌ها ظرفیت اجتماعی و فرهنگی بالایی در جامعه ایرانی داشته و می‌تواند به عنوان یک فضای جمعی، بستری مناسب جهت تعاملات اجتماعی فراهم کند (تصویر ۴). الزام تحقق این امر، ایجاد بستری پیاپی‌محور با نقش‌های متنوع فرهنگی، تفریحی و اقتصادی است که طیف وسیعی از فرصت‌ها را در اختیار شهروندان قرار دهد. عدم موفقیت طرح‌های جامع و تفصیلی در ایجاد چنین فضایی، نیاز به طرح‌های مکمل و ویژه‌ای را از حیث موضوع و موضع نشان می‌دهد.

مبناهای مداخله در منظر زیارت

ویژگی عمده طراحی در چنین محدوده‌هایی، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنها از حیث محدوده عملکرد هسته مذهبی‌شان در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی یا فراملی است. میزان و نوع تأثیر این مراکز در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت نحوه توسعه را تعیین می‌کند. لذا چنانچه ابعاد و الزامات تحقق آن درست تبیین نشود، می‌تواند مقیاس سطح خدمات‌رسانی و عملکرد آن مکان را ناکارآمد کند. بافت‌های این چنینی از یک سو به جهت موقعیت و ظرفیت‌های فضایی اجتماعی خود می‌توانند بستر رشد و توسعه درونی شهر شوند و از سوی دیگر با احیای ارزش‌های منظرین آنها می‌تواند خاطره شهر قدیم را برای آیندگان زنده کرد. الزامات تحقق این امر تعریف نقش هویتی این عرصه در مقیاس سازمان فضایی شهر و نقش غالب سکونتگاهی آن در مقیاس محلی است. علی‌الاصول تعریف صحیح ارزش این بافت‌ها در ذات خود و نیز نقش آنها در سلسله مراتب فضایی شهر، میزان خطا در انتخاب الگوی مداخله را کم خواهد کرد. حکمت تمامی داستان زیارت که در باورهای ما ریشه دوانده است در وجود رعایت اصل سلسله مراتب با مرکزیت زیارت است. این مراتب از نگاه منظر شامل موارد ذیل است:

• مراتب حرکتی و فضایی

حرکت، ایثار، تفکر و تحول بخشی از شعایر مذهبی است یعنی یک دسته اعمال تکراری قرار دادی که بر خلقت جهان هستی دلالت داشته و نشان‌دهنده حس انتقال از جهان مادی به جهان روح و یا تغییر حالت آگاهی است (اسپیرن، ۱۳۸۴). آرامش، روحانیت، تعمق و پویایی، واکنش‌ها و احساساتی است که از ویژگی کمی فضا حین حرکت حاصل می‌شود. لزوم رعایت مقیاس انسانی و ایجاد فضای انسانی با توجه به حواس پنج‌گانه و نحوه تأثیرپذیری انسان از این حواس در ادراک فضایی و احساس خوشایندی تأثیرگذار است (مانلاک، ۱۳۷۹). در مورد مسیرهای اجتماعی-تاریخی موضوع طراحی اینجاست که ساختمان‌ها و فضای بین آنها تا چه اندازه نقش دارند و تا چه حد تنها ایجاد راه

مسیر) برای رسیدن به مقصد مهم است. «فضا از یک سو تجربه حافظه تاریخی ماست و از سوی دیگر تجربه زندگی روزمره» (لومنبور، به نقل از فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۳۹).

مسیرهای بلافصل مکان‌های مذهبی شاخص در ایران که به صورت ارگانیک بوده است، تحت تأثیر توسعه‌های خطی و شعاعی که با تملک بخش بزرگی از بافت پیرامونی آنها مقدور شده، امکان حرکت مرتب‌های توأم با حس تأمل را از بین برده است و ادراک و حظ بصری تسلسل در یک نقطه ایستگاهی، خاتمه می‌یابد.

• مراتب کارکردی و فعالیتی

سه الگوی عمده رفتاری در خیابان‌های منتهی به حرم وجود دارد؛ الگوی اول مربوط به زوار می‌باشد که عمدتاً به قصد زیارت و گذران فراغت در صحن‌های حرم حضور دارند و اکثراً از امتداد وسط خیابان عبور می‌کنند. الگوی دوم ساکنین محل و گردشگرانی هستند که به قصد خرید و تفریح در جلو و پترین‌ها و مغازه‌ها ترفیق ایجاد می‌کنند. الگوی سوم هم مربوط به کاسبان محل است که بعضاً به دلیل کوچک بودن فضای مغازه و عدم هماهنگی کاربری و فضا مزاحمت‌هایی برای عابران ایجاد می‌کنند. تعدد کاربری‌هایی که در طول مسیر واقع می‌شوند، نحوه ارتباط آن‌ها با مسیر از لحاظ موقعیت مکانی، سطح اشغال آن‌ها و مقیاس مربوطه از موارد تأثیرگذار بر حس مسیر است. ارزیابی کاربری‌های موجود و تعیین سازگاری، مطلوبیت، مناسب بودن و وابستگی آن‌ها، شناخت کمبودهای بافت، در نظر داشتن عوامل تعیین‌کننده‌ای چون شیوه بهره‌برداری از فضا، نحوه حرکت در مسیر، الگوهای رفتار و نوع روابط اجتماعی، نوع فعالیت‌های تفریحی و فراغتی، موقعیت محدوده مورد نظر از نظر عناصر طبیعی، موقعیت مکانی خیابان نسبت به کل شهر و ... نکاتی است که توجه به آن‌ها برای تعریف مطلوب مسیرهای منتهی به حرم در اولویت قرار می‌گیرد (عاشوری، ۱۳۸۸). برای هر مکان در محیط و منظر روح خاصی را قابل می‌شوند و اولین گام برخورد با محیط جلب و حمایت روح مکانی است. روح انسانی در این نگرش در ترکیب با روح مکان قرار داشته و سلامتی و سعادت انسان به طور لاینفک به سلامتی و سعادت محیط و منظر وابسته است (لین وایت، ۱۹۷۶؛ به نقل از: ماتلاک، ۱۳۷۹).

• مراتب نمادین

شهر مجموعه‌ای از فضاهای شهری، با درجه‌های متفاوتی از تقدس یا عدم تقدس را به وجود می‌آورد. تقدس، عدم تقدس یا شیطانی شدن فضاهای شهری در ابعاد تاریخی و حافظه جمعی جای گرفته و بعدی از جنبه‌های منظر شهر را می‌سازد (فکوهی، ۱۳۸۵). رفتار مردم به تبع ادراک تاریخی آنها از یک مکان مذهبی از جنبه‌های نمادین برخوردار شده است (لینچ، ۱۳۵۵). شخصیت یک محل ناشی از الگوهای از رویدادهاست که با الگوهای هندسی در فضا در هم بافته شده است. یک مرکز شاخص از فعالیت‌هایی تشکیل شده که روابط شکلی و فضایی که آن فعالیت‌ها را ممکن می‌سازد، موجب برانگیختن احساسات می‌شود؛ این رابطه بین شکل، عملکرد و احساس است (الکساندر؛ به نقل از اسپیرن، ۱۳۸۴). هدف مراجعه به این اماکن نحوه ارتباط گردشگر با فضا را تعریف می‌کند. اگر استفاده‌کنندگان از فضا اهداف مشترکی با سایر استفاده‌کنندگان داشته باشند، ارتباطشان با فضا بهبود می‌یابد. در این حالت فضا به نیازها و حقوق استفاده‌کنندگان پاسخ خواهد داد. اگر فضا در سطح معنایی بالاتری عمل کند، فضا مهیج خواهد بود، به نوعی که خاطرات و تجربیات فرد، خانواده، گروه و یا فرهنگی را احیا می‌کند؛ در این شرایط هر فرد با مجموعه‌ای بزرگ‌تر، یک خاطره جمعی و یا یک تجربه پیوند می‌خورد. بنابراین فضا در این حالت حس اهمیت دادن، پیوند و توجه به زندگی و سرنوشت دیگران

یکی از مناظر مختص شهرهای ایران، مراکز زیارتی و بافت پیرامونی آن است که در جریان توسعه شهر به سبب درک و برنامه‌ریزی کمی همواره میان دو وزنه حفاظت و توسعه، معلق مانده است. این مناظر به جهت موقعیت فضایی و اجتماعی خود می‌تواند از یک سو بستر توسعه درونی شهر شود و از سوی دیگر خاطره شهر و منظر آیینی آن را برای آیندگان زنده نگه دارد. توسعه خطی، ضخامت دادن به شعاع عملکردی و گنجایش‌پذیری بالای این مراکز کیفیت دسترسی به آن را از سلسله مراتب حسی، کارکردی و نمادین خالی می‌کند.

را القا می‌کند.

می‌توان گفت در مواجهه با این مکان‌ها مرز حسی بین بیرون و درون بیش از مرز قانونی آنها اهمیت دارد، روبرو شدن تدریجی با این مظاهر و درگیر شدن با آنها، باعث تبدیل رفتارها می‌شود و انتظار می‌رود که رفتارها در دو طرف گذار هر چند اندک، تغییر پیدا کند. برای مثال سرعت حرکت تند یا کند شده و حرکت‌ها به سمت محل ورودی جهت‌دار شود. نبودن مرز حسی و تنها اکتفا کردن به یک مرز کالبدی باعث به هم خوردن نظام رفتاری افراد می‌شود (عباس‌زادگان، رضازاده و شمس، ۱۳۸۶). نقل یک روایت از طریق طراحی یک راه و عناصر آن روش رایج روایتی است. به خصوص در مناظرهای مذهبی و سیاسی که جاده به معنی یک «راه» است. مراحل حرکت، معنای مورد نظر مکان را نشان می‌دهد. زمینه یک مکان شالوده‌ایست که در آن بیان‌های جدیدی از منظر یا با یکدیگر ارتباطی سازگار، منطبق، هم‌رتبه و تابع هم دارند (اسپیرن، ۱۳۸۴).

جمع‌بندی

محیط ساخته شده در هر مقیاسی که باشد رمزی فرهنگی است که معرف نهادهای اجتماعی به وجود آورنده و تغذیه‌کننده آن است. این محیط در هر زمان باز یافت مفاهیم گذشته و موجود الگوهای هنجاری رفتار است. فضای شهری محصول فرایندهای فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی است و باید آن را از این جنبه بازخوانی کنیم. در طراحی و نوسازی مکان‌های مذهبی شاخص لازم است به مفاهیمی همچون الگوهای هنجاری زیارت، قابلیت‌های محیط، پیشینه فرهنگی - اجتماعی و در نهایت تحلیل مکان‌های خرد رفتاری درون فضا توجه کرد تا از این راه بتوان انطباق نیازهای معنوی و اجتماعی بر مکان‌های پاسخ‌گوی آنها را، به تحقق رساند. برای ایجاد یک دستور زبان پایدار نه تنها زمینه فیزیکی بلکه باید ابعاد معنوی و سایر عوامل فرهنگی را مد نظر قرار داد. دستور زبان هر مکان مجموعه‌ای از آگاهی‌هایی است که طی سالیان در آن محل به دست آمده است. توسعه مکان‌های مذهبی شاخص در ایران تقلیل‌گرایانه و به منظور ساده کردن پیچیدگی‌های برنامه‌ریزی توسعه است. مرکزیت فضایی در بافت‌های سنتی ایران تنها شامل اهداف شاخص بودن و گنجایش‌پذیری بالا نبوده بلکه کیفیت دسترسی به این مرکزیت مطرح بوده است که موجب هویت بصری، عملکردی و استعاره‌ای آن شده است. یعنی اصلی که همیشه ارجح بوده، حفظ ساختار سلسله‌مراتبی کل و جز بوده است. الگوی طرح‌های جامع، باید به الگوی «طرح جامع فرهنگی» یا «طرح جامع احساس شهر» تغییر کند و ذیل این نگاه است که منظر شهری معنا پیدا می‌کند. شهر تهران از حیث منظر شهری دارای ظرفیت‌هایی است که اگر آگاهانه و جامع به کار گرفته نشود، تنها لایه‌های باقی مانده احساس شهر از بین خواهد رفت. ■

- پی‌نوشت
۱. Age of modernism
۲. Age of post-modernism
۳. Age of synthesis

فهرست منابع

- اسپیرن، آن وینستون. (۱۳۸۴). *زبان منظر*. ترجمه: بهنناز امین‌زاده و سیدحسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بری، تامس. (۱۳۸۴). رمز، بنا و آئین. *فصلنامه فرهنگستان هنر*، ۱۳: ۵۶-۶۷.
- ترنر، تام. (۱۳۷۶). *شهر همچون چشم‌انداز*. ترجمه: فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- عباس‌زادگان، مصطفی، رضازاده، رضیه و شمس، آزاده. (۱۳۸۶). *تأثیرات متقابل رفتارهای زائرین و مجاورین و فضاهای ورودی حرم حضرت رضاع*. اولین همایش اماکن مقدس، مشهد.
- شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۴). *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*. ترجمه: امیر یار احمدی. تهران: انتشارات آگه.
- عاشوری، علی. (۱۳۸۸). *پیماده‌راه حرم، طراحی منظر محور شمالی حرم حضرت عبدالعظیم (ع)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری منظر. دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نشر نی.
- قائدان، اصغر. (۱۳۸۲). *استان مقدس حضرت عبدالعظیم در گذشته و حال*. قم: انتشارات الحدیث.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). *طراحی شهری: گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها*. ترجمه: حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۵۵). *سیمای شهر*. ترجمه: منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ماتلاک، جان‌ل. (۱۳۷۹). *آشنایی با محیط و منظر*. تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.

تصویر ۲

Pic 2



Spiritual City Landscape

Development of Religious Places in Cities of Iran

Ali Ashouri, M.A. in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. alioashouri.ut@gmail.com

Abstract: There has always been a logical connection between the formation of traditional Iranian cities and urban areas in terms of micro and macro scale. Definitions of modernity and the formation of new economic and social relations led to the physical appearance of a gap between past and present urban spaces; this heterogeneity, particularly within the context of historical religious center resulted in a break in the social and urban development. On the other hand, interventions in the immediate context of these centers at any time depending on the value of the function assessed by officials and experts; vary between the two approaches to conservation and development.

Historical change in "Ray" city shows that the main structure of the city ends in the Hazrat Abdul-Azim shrine, which is considered the most important historical and cultural - religious values that are revealed together in this area. The Shrine Street is located near the entrance to the shrine which acted as a public space in the context of traditional Abdul-Azim town since Qajar period and has defined access quality to the centre. The North Avenue improvement project has only considered the walls and pavements which could not maintain the identity of the place. Concepts such as respect for the principle of hierarchy of norms regarding pilgrimage, environmental potentials, cultural and social history, and especially the micro-behavior small objects in the space, needed to be considered as the basis for intervention.

Keywords: Spiritual Tourism, Pilgrimage Landscape, Hierarchy, Tehran Urban Designs, Hazrat Abdul-Azim Shrine.

Reference list

- Ashouri, A. (2009). *Haram walking street, landscape design of the north street of Hazrat- e Abdul- Azim haram*. Unpublished thesis. Tehran: University of Tehran.
- Fakouhi, N. (2006). *Urban Anthropology*. Tehran: Ney publication.
- Ghaedan, A. (2003). *Holy Shrine of Hazrat Abdul Azim, past and present*. Qom: Alhadis publication.
- Lang, J. (2007). *Urban design: a typology of procedures and products*. Translated from the English to Persian by: Hossein Bahreini. Tehran: University of Tehran.
- Lynch, K. (1976). *The Image of the city*. Tehran: Shahid Beheshti university.
- Motloch, J. L. (2000). *Introduction to landscape design*. Tehran: Tehran Parks and green spaces organization.
- Norberg-Shulz, C. (2005). *The concept of dwelling*.

on the way to figurative architecture. Translated from English to Persian by: Amir Yarahmadi. Tehran: Agah publication.

- Abbas zadegan, M., Rezazadeh, R. and Shams, A. (2009). Interactive effects of behavior and bystanders pilgrims input spaces shrine of Imam Reza. The first congress of sacred places, Mashhad.
- Spim, A. W. (2005). *The language of landscape*. Translated from English to Persian by: Behnaz Aminzade and Seyed Hossein Bahreini. Tehran: University of Tehran publication.
- Thoms, B. (2005). *Symbols, structures and rituals*. *Journal of Farhangestan-e honor*, 13: 56-67.
- Turner, T. (1997). *City as landscape: a post - post modern view of design and planning*. Translated by: Farshad Noorian. Tehran: Processing and urban planning .

تصویر ۴: مکان‌های مذهبی به مثابه فضای جمعی، حرم شاه عبدالعظیم، شهر ری. عکس: علی عاشوری، ۱۳۸۶.

Pic4: Religious Places as Public Spaces, Abdul-Azim shrine, Shahr-e Rey, Iran. Photo: Ali Ashouri, 2007.

تصویر ۲: گسستگی فضایی - اجتماعی ناشی از تخریب و ضوابط تعریض در محدوده بلافاصله حرم، شهر ری. عکس: علی عاشوری، ۱۳۸۶.

Pic2: Socio-spatial Dis-sociation made by Destruction and Widening the Immediate Area of the Shrine, Shahr-e Rey, Iran. Photo: Ali Ashouri, 2007.

تصویر ۴

Pic 4

